



# درحاشیة همایش‌های دیه

لطف الله میثمی  
پژوهشگر و روزنامه نگار

■  
قرآن  
دینامیزم خاصی را  
مطرح کرده  
و آن سه گزینه‌ای بودن  
قصاص است.  
به نظر من قرآن  
در بستر زمان،  
روندی را مطرح می‌کند که  
انسان‌ها از قتال به سمت  
دیه و از دیه به ست  
عفو بروند.  
■

نص قرآن آمده است، ولی نوع و میزان دیه در ذات دین نیست، بلکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و دیگر امامان هر کدام متناسب با زمان، نوع و میزان دیه را مشخص کرده‌اند. همان‌طور که می‌دانیم در ابتدای انقلاب کسی که می‌خواست دیه را بپردازد بایستی تعدادی شتر به دادگستری تهران واقع در میدان ارگ می‌آورد و مشکلات زیادی به بار آمد که تاریخچه نوع و میزان دیه در سخنان دکتر محمود کاشانی به تفصیل آمده بود.

تأکید دکتر محمود کاشانی در اولین اجلاس دیه فقه پژوهی روی قانون اساسی جمهوری اسلامی و ثمره انقلاب بود و سخنانی بدین مضمون گفتند که وقتی در قانون اساسی حق شهروندی تثبیت شده و در رأی‌دادن و انتخاب نمایندگان مجلس و رئیس‌جمهور و اعضای خبرگان و اعضای شورای اسلامی شهر و روستا زن و مرد مساوی هستند و در شرایطی که نصف وکلای دادگستری از بانوان هستند و در امر قضا به قاضی مشورت می‌دهند و می‌توانند هم نماینده مجلس شوند و هم وزیر؛ پس چرا باید دیه آن‌ها نصف مرد باشد. اگر زنی مجروح شد یا

ضمن تشکر از گردانندگان همایش دیه و اندیشمندان موسسه «فقه الثقلین» به‌ویژه حضرت آیت‌الله‌العظمی حاج شیخ یوسف صانعی، امیدواریم که این روشنگری‌ها و نوآوری‌ها با شکل و ارائه نوین ادامه یابد. آیت‌الله محقق داماد در سومین مرحله این همایش که در قم برگزار شد از قول مرحوم آیت‌الله‌العظمی منتظری جمله‌ای بدین مضمون گفتند که اگر یک‌دهم و یا یک‌صدم نوآوری‌های علامه حلی را به کار می‌بستیم و نهادینه می‌کردیم بسیاری از مشکلات حل شده بود و این نشان می‌دهد ظرفیت نوآوری در حوزه‌های علمیه بسیار زیاد است و باید مجدانه در این راه تلاش کنیم.

یکی از نوآوری‌ها که در اولین مرحله اجلاس دیه در پژوهشکده امام خمینی در تهران مطرح شد توسط آیت‌الله شیخ محمد سروش محلاتی بود. از آنجا که هر ساله ۲۰ هزار تصادف مهلک در جاده‌های ایران حادث می‌شود، نوع دیه و میزان آن در کلان‌شهری مثل تهران و شهرستان‌های بزرگ از اهمیت زیادی برخوردار است. ایشان در نوآوری خود نشان دادند که گرچه اصل دیه در

آسیب دید آیا هزینه درمانی او در بیمارستان نصف مرد است؟ بنابراین به لحاظ عقلی و به لحاظ قانون اساسی چگونه می‌تواند دیه زن نصف مرد باشد؟

آیت‌الله محقق داماد در اجلاس دیه تأکیدی روی روش فقهی داشتند و براین باور بودند که در کادر همین روش فقهی می‌توان نوآوری‌های زیادی داشت. برای نمونه ایشان به صاحب جواهر اشاره کردند که شیخ انصاری بدون اینکه در روش فقهی تغییر ایجاد کند، نوآوری‌هایی کرد و کتاب «مکاسب» او تفاوت‌های کلی با صاحب جواهر داشت. ایشان به میرزای شیرازی اشاره کردند که فقهی پرسش‌گر بود و جوابی برای سؤالات خود نمی‌یافت. ولی در محضر شیخ انصاری، آن قدر شیفته معلومات او شد که در رسای او این شعر سعدی را خواند: «اینکه تو داری قیامت است نه قامت/ وین نه تبسم که معجز است و کرامت». پیشنهاد من این است که آیت‌الله محقق داماد و دیگر فقها به تبیین بیشتری نسبت به نحوه نگرش و روش فقهی بپردازند و اینکه این روش فقهی چه تفاوتی با منطق ارسطو و اصول فقه ملهم از این منطق دارد.

■ **پیشنهاد من این است که آیت‌الله محقق داماد و دیگر فقها به تبیین بیشتری نسبت به نحوه نگرش و روش فقهی بپردازند و اینکه این روش فقهی چه تفاوتی با منطق ارسطو و اصول فقه ملهم از این منطق دارد.**



نکته دیگری که درباره دیه مطرح است و می‌تواند روی آن کار بیشتری شود این است که در کتاب پرتوی از قرآن تألیف مرحوم آیت‌الله طالقانی در توشه‌گیری از آیه ۱۷۸ سوره بقره بدین مضمون اشاره کردند که برای نمونه اگر فردی قاتل پدر من باشد، من در بدو امر باید او را مخلوق خدا و برادر تلقی کنم و نه قاتل! «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُقِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ». ای آنان که ایمان آورده‌اید. نوشته شده بر شما قصاص درباره کشتگان: آزاد به آزاد و بنده به بنده و زن به زن. پس آنکه برای او از سوی برادرش چیزی بخشوده شود پس پیروی کردنی به پسندیدگی و انجام‌دادنی به‌سوی او به نیکی. این تخفیفی ست که پروردگار از شما و رحمتی. پس هرکه بعد از آن دشمنی پیشه گیرد برای او عذابی دردناک است. در مرحله بعد ببینیم چگونه شیطان در رگ و ریشه‌اش نفوذ کرده و چه عواملی بوده که از فطرت انسانی خود عدول کرده و دست به قتل زده، یعنی عوامل مخففه را پیدا کنیم. اگر با این نحوه نگرش توحیدی و هستی‌محور به آیه نگاه شود من (صاحب دم) در قضاوت خود تأمل کرده و از قصاص (در اینجا اعدام) قاتل پدرم صرف‌نظر کرده و به سمت دریافت دیه یا عفو می‌روم.

قرآن دینامیزم خاصی را مطرح کرده و آن سه گزینه‌ای بودن قصاص است. به نظر من قرآن در بستر زمان، روندی را مطرح می‌کند که انسان‌ها از قتل به سمت دیه و از دیه به سمت عفو بروند و این همان روشی است که در حرمت شراب اتخاذ شده که به تدریج مردم روند حرمت شراب را از نسبی تا مطلق طی کنند و باز می‌بینیم این همان روشی است که درباره برده‌داری، مردسالاری و رباخواری طی شده که به الغای بردگی، همچنین شایسته‌سالاری و بیع به‌جای ربا انجامیده است.

ملاحظه می‌شود مرحوم طالقانی خداوند خالق را در حد لفظ و واژه مطرح نکرده، بلکه مابه‌ازای انسانی و اجتماعی توحید را مطرح می‌کند و به عبارت ساده‌تر نقش خدا را در گزاره‌ها و امور می‌بیند. همچنین در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران خطاب به مردم می‌گوید «... نعمت خدا را به یاد آورید آن هنگامی که باهم ستیز و دشمنی داشتید و خداوند در بین دل‌های شما الفتی ایجاد کرد و نتیجه ایجاد این الفت آن بود که با هم برادر شدید. به یاد آورید



■ **قانون اساسی  
سندی است که  
فقها می‌توانند  
به استناد آن  
نوآوری‌های زیادی  
در فقه انجام دهند.** ■



مواد قانون اساسی مستند کنند و نه به اجتهاد مصطلح. یکی از ویژگی‌های این همایش حضور مرجع عالی‌قدر آیت‌الله‌العظمی صانعی بود که مطالب ارزشمندی را مطرح کردند. ایشان در وصف ساده زیستی حوزه‌های علمیه گفتند شخصی آمده بود نزد موسسه حوزه مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری و گفته بود می‌خواهم زکات بدهم، مصداق آن کیست؟ ایشان آن قدر در فقر می‌زیستند که خود را مصداق زکات او دانستند. این می‌تواند درسی باشد برای مراجع و علما که اجازه ندهند ویژگی روحانیت شیعه در ارتباط با مردم تبدیل به ارتباط با دولت شود؛ هرچند دولت هم مردمی باشد. خوشبختانه آیت‌الله صانعی اعلام کردند بیت ایشان رقمی در بودجه عمومی کشور ندارد و رقمی از دولت دریافت نداشته‌اند.

لب پرتگاه آتش و به عبارتی جنگ داخلی بودید که خداوند شما را از آن نجات داد و این چنین خداوند آیاتش را بر شما آشکار می‌سازد، باشد که هدایت شوید «وَأَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ».

ملاحظه می‌شود در اینجا مرحوم طالقانی ما به ازای توحید و خالقیت خداوند را در توشه‌گیری از آیه لحاظ کرده و با احساس مخلوقیت، جنگ‌افروزی و کینه‌توزی و عصبیت‌های جاهلانه را به اخوت و برادری و برابری تبدیل می‌کند. شاید قانون سه گزینه‌ای قصاص یک روند فرا ادورای و فرا زمانی است که ما را به طرف دیه و از دیه به طرف عفو رهنمون می‌کند و حیات را در قصاص نشان می‌دهد و عفو را بهتر می‌داند. برای نمونه حضرت علی علیه السلام در بدو امر ابن ملجم را قاتل خود تلقی نکردند. با شناختی که از او و خوارج داشتند انگیزه قتل را جنایت‌کارانه ندانستند و گفتند اگر زنده باشم خود می‌دانم با او چه کنم و به حسن و حسین توصیه کردند اگر امکان عفو نبود قصاص را با یک ضربه انجام دهید و این دینامیزم قصاص را نشان می‌دهد که جامعه با رهبری حضرت علی یک توان تاریخی بیشتری را دارد که این توان را جامعه بدون حضرت علی ندارد؛ و آن جامعه توان عفو را نداشت و بدین‌سان بود که برای جلوگیری از انشقاق امت، قصاص کردند.

مطلب دیگری که موسسه «فقه الثقلین» می‌تواند در پی آن باشد این است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ثمره انقلاب شکوهمند توحیدی، اسلامی و مردمی است؛ و اندیشمندان و فقها و مراجعی در تبیین آن نقش داشتند و تاکنون سه بار به رأی مردم گذارده شده و از تصویب ملی عبور کرده و حضرت امام گفته‌اند تک‌تک مواد قانون اساسی مخالفتی با شرع ندارد؛ بنابراین با تأکیداتی که روی قانون اساسی داشتند می‌تواند رساله اجتماعی امام تلقی شود و امام هم در بحث ولایت مطلقه یا عامه تأکید داشتند احکام اجتماعی قرآن بر احکام فردی و فرعی اولویت دارد؛ بنابراین قانون اساسی سندی است که فقها می‌توانند به استناد آن نوآوری‌های زیادی در فقه انجام دهند. حضرت امام در صحبت‌هایشان خطاب به شورای نگهبان گفتند به احکام اجتماعی قرآن و مصلحت مردم توجه بیشتری داشته باشند، استنباط خود را به تک‌تک